

نامه ای به خواهران مهاجر در میادین

نویسنده: شیخ مجاهد حسن قائد
(ابو یحیی لیبی)رحمه الله علیه

مترجم: جواد آشنا

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه مترجم:

ان الحمد لله، نحمدُه ونستغفره ونستعینه ونستهدیه ونعوذُ بالله من شرورِ أنفسنا ومن سیئات أعمالنا، من یهْدِ اللهُ فلا مضلَّ له ومن یضلل فلا هادي له. وأشهد أنْ لا إله إلا اللهُ وحده لا شریك لَه وأشهد أنَّ محمَداً عبدُه ورَسولُه اما بعد:

الله متعال می فرماید(وَمَنْ یُهَاجِرْ فِي سَبِیلِ اللَّهِ یَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِیرًا وَسَعَةً ۚ وَمَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِیمًا) سوره ی نساء آیه ۱۰۰

ترجمه: «و کسی که در راه خدا هجرت کند در زمین جاهای امن فراوان و گشایش (در رزق و روزی) می‌یابد. و کسی که به قصد هجرت به سوی خدا و پیامبرش، از خانه خود بیرون رود، آنگاه مرگش فرا رسد، قطعاً پاداشش بر خداست. و خداوند آمرزنده ی مهربان است».

خوشا به حال خواهری که قدم در جای پای صحابیات نهاده و راه هجرت برای اعلای کلمه ی پروردگارش را دوش به دوش همسرش برگزیده و بر رنج راه در آرزوی لقای خالقش صبر می گیرد.

پیامبر دلسوزمان می‌فرمایند: (أَنَا زَعِیمٌ لِمَنْ آمَنَ وَ أَسْلَمَ وَجَاهَدَ فِي سَبِیلِ اللَّهِ بِبَیْتٍ فِي رَبَضِ الْجَنَّه، وَبِبَیْتٍ فِي وَسَطِ الْجَنَّه، وَأَنَا زَعِیمٌ لِمَنْ آمَنَ بِبَیْت فِي وَسَطِ الْجَنَّه، وَأَنَا زَعِیمٌ لِمَنْ آمَنَ وَأَسْلَمَ وَهَاجَرَ بِبَیْتٍ فِي رَبَضِ الْجَنَّه، وَبِبَیْتٍ فِي وَسَطِ الْجَنَّه، وَبِبَیْتٍ فِي أَعْلَى الْجَنَّه، مَنْ فَعَلَ ذَلِکَ فَلَمْ یَدَعْ لِلْخَیْرِ مَطْلَبًا، وَلَا مِنَ الشَّرِّ مَهْرَبًا، یَمُوتُ حَیْثُ شَاءَ أَنْ یَمُوتَ ».

ترجمه: «من برای کسی که به من ایمان بیاورد و اسلام بیاورد و هجرت کند، متضمن خانه‌ای در طبقات پایین بهشت و خانه‌ای در طبقات وسط بهشت و من ضامن خانه‌ای در طبقات وسط بهشت هستم ... من برای کسی که به من ایمان و اسلام بیاورد و هجرت کند، متضمن خانه‌ای

در طبقات پایین بهشت و خانه‌ای در طبقات وسط بهشت و خانه‌ای در بالاترین طبقات بهشت هستم و هر کس چنین کند مانند آن است تمام صورت‌های خیر را انجام داده و تمام صورت‌های شر را ترک کرده است چنین شخصی هر جا بمیرد وارد بهشت می‌شود).

محروم کسی است که از این پاداش محروم گشته و رستگار کسی است که همت و تلاشش برای رسیدن به این جایگاه صرف شود.

ای مهاجر دل شکسته این آیات و احادیث مرهمی بر غم‌هایت باد.

در روزگاری که بسیاری از مردان از حمل بار دعوت شانه خالی کرده‌اند خواهرانی هستند که غمی جز یاری دین پروردگارشان در دل ندارند و اسوه‌ای نیک برای نسل خود گشته‌اند مثالی از صبر و ثبات و اسطوره‌ای از ایمان و فداکاری از خود ثبت کرده‌اند.

خواهری غافل صورتش را برای نامحرم رنگین می‌کند و خواهری با خونش در راه الله صورتش خونین می‌شود تفاوت این دو بسیار است.

ای خواهر مهاجر رنجور و غمگین مباش که ضامن و کفیل تو خالق یکتا و تواناست پس صبر و شکیبایی کن چرا که صبح پیروزی یا کوچ به بهشت ابدی بسیار نزدیک است.

و السلام علیکن و رحمة الله و برکاته

این کلمات سخنانی کوتاهی است خطاب به خواهران بزرگوار و فاضل و مجاهدی که الله متعال نعمت اسلام و هدایت و حرکت بر مسیر هجرت را بر آنان منت نهاده و سپس صبر و شکیبایی بر تحمل سختی‌های راه و بقا در بین مجاهدین را بر آنان عطا فرموده است.

پس می گویم السلام علیکن و رحمة الله و برکاته

همانا بزرگترین چیزی که انسان در این دنیا از بین نعمت‌های منت نهاده شده بر او، به یاد می‌آورد چه مرد باشد و چه زن نعمت هدایت و اسلام می‌باشد نعمتی که چیزی در جهان با آن برابری نمی‌کند.

نعمت هدایت و اسلام به این معناست که الله متعال با منت و فضل خود سینه ی هر بنده‌ای از بندگانش- زن و مرد- را بر اسلام گشایش داده و نور اسلام را در قلبش وارد ساخته است همانطور که الله متعال می‌فرماید: " فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ " سوره ی انعام ١٢٥

ترجمه " پس هرکس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (قبول) اسلام می‌گشاید "و الله به بهترین و بزرگوارترین و دوست داشتنی‌ترین بنده ی خود، رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده است " (إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ) سوره القصص ٥٦

ترجمه" (ای پیامبر!) بی‌تردید تو هر کس را دوست داری نمی‌توانی هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند، و او به هدایت شدگان آگاه‌تر است." پس هدایت توفیقی و پیروی از حق فقط در اختیار پرودگار یکتا و بی‌شریک است.

و تو ای خواهر بزرگوار بسیاری از بندگان الله سبحانه و تعالی از زنان و مردان با تفاوت درجاتشان را می‌بینی که پروردگارت بعضی را بر بعضی در مراتب دنیوی برتری بخشیده به طوری که یکی باهوش‌تر یا قوی‌تر یا ثروتمندتر از دیگری است و یا دارایی و فرزندان یکی از دیگری بیشتر می‌باشد و امور دیگری که مردم بر اساس آن بر هم برتری دارند که فقط الله متعال به آن آگاه می‌باشد ولی با این همه قانون و ملاکی برای سنجش و مقایسه ی تمام این نعمت‌ها با نعمت هدایت وجود ندارد.

انسان باهوش، ماهر، ثروتمند، با ادب، با مطالعه، مطلع و آگاه، با فرهنگ و دانش و سایر امور ولی با این همه می‌بینی که سنگ و درختی یا گاوی را می‌پرستد همانطور که در هند و غیره شاهد هستیم.

و در مقابل پیرزنی ضعیف و بی‌سواد که خواندن و نوشتن ندانسته و بی‌سواد است را می‌بینی که سینه اش بر اسلام گشوده شده و الله را پروردگار و اسلام را دین و محمد صلی الله علیه وآله وسلم را پیامبر خود می‌داند و الله و رسولش را دوست می‌دارد و به خاطر آنان دوستی و دشمنی می‌کند و به الله و روز رستاخیز ایمان دارد.

چرا او هدایت یافته است ولی دیگری با وجود هوش و ذکاوت و مهارتش در گمراهی و کفر گرفتار است؟! و مانند حیوانات فقط در پی لذایذ خود می‌باشد این چیزی است که الله پاک و بی‌شریک برای هرکه بخواهد از فضلش نصیب می‌کند " (ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ) سوره ی جمعه ٤

ترجمه: " این فضل الله است که آن را به هرکس که بخواهد می‌بخشد و الله دارای فضل عظیم است".

پس تو ای خواهر بزرگواری که از مکان و وطنی دوردست هجرت کرده‌ای، بدان که الله متعال تو را در عصری که تمام اسباب گمراهی و شهوت‌رانی در دسترس می‌باشد، هدایت کرده است مردم به سوی دنیا هجوم می‌برند و بر زینتش رقابت کرده و بر کالایش می‌جنگند و تو ای خواهر بزرگوار و با فضیلت ممکن است از روستایی دور افتاده یا از شهری شلوغ و پر جمعیت و یا شاید از دورترین نقطه ی زمین که هیچ دعوتگر و عالمی و یا سببی از اسباب هدایت و استقامت مانند سایر زنان در اختیارت نبود ولی با این همه توی خواهر مهاجر را از آن روستا و شهر، از آن دانشگاه و یا مدرسه و خانه برگزیده تا در راه هجرت سیر کنی، در عصری که مردم برای رسیدن به کشورهای کفر رقابت می‌کنند تا از دنیا لذت ببرند در راحتی و خوشی و اموال و کالای آن به سر ببرند.

هر یک از مردم –مگر کسی که الله متعال رحم کند– به چگونگی رسیدن به آمریکا می‌اندیشد تا در آنجا زندگی کند یا چگونه به لندن، مادرید یا پاریس برسد برای خود و همسرو فرزندانش رؤیاها و آرزوهایی دارد و این بزرگ‌ترین هدفی است که برایش تلاش می‌کند و اوج آرزو و خواست اوست.

تو ای خواهر بزگوار الله متعال این فتنه، بله این فتنه را از تو دور ساخته و از تو پوشانده است تا اینکه به سرزمین هجرت رسیده‌ای سپس در آن سرزمین دور از خانواده، نزدیکان، والدین در غربت همه جانبه را تجربه می‌کنی غربت وطن و خانواده، غربت دین و غربت جهاد در داخل دین و این اکرامی از طرف الله سبحانه و تعالی است.

بعضی از مردم شاید کوته بین بوده و این امور را در نظر بیاورند، وقتی برادر یا خواهری در مورد نحوه ی زندگی خود یا تنگیی که در امر مسکن و گاهی در امر خوراک دارد می‌اندیشد

و یا به دلیل کم بودن دیدارها و ملاقات‌های نزدیکان و خویشان احساس غربت و تنهایی و از این امر دلتنگ شده و بخواهد از این مکان خارج شود تا شاید که از وضعیت موجود به آسودگی برسد ولی این فریبی از سوی شیطان است.

تمام دنیا زندان مؤمن می‌باشد چرا که اگر با ایمانی حقیقی نسبت به الله سبحانه و تعالی زندگی کنی چه در افغانستان فقیر و چه در نیویورک و واشنگتن، تو ای خواهر و برادر در زندان هستی.

این حال دنیاست از رنج، غصه، تنگی و غم خالی نیست.

ولی انسان‌ها بر اساس چه چیزی از هم تمایز می‌یابند!؟ بر اساس اینکه این هم و غم‌ها و سختی و بلاها را نزد الله متعال احتساب کرده و از آن راضی باشد و به همین سبب اجر و پاداش دریافت می‌کند ولی اگر کسی از این امور خشمگین شده و انضجار و دلتنگی کند و یا شاید گاهی ـ پناه بر الله ـ از الله متعال نیز خشم بگیرد و این امر سبب شود که غم دنیا و آخرت نصیبش گردد.

از نعمت‌های الله متعال بر تو ای خواهر مهاجر این است که تو امروز در میدانی از میادین جهاد به سر می‌بری و من به پروردگار قسم یاد می‌کنم به رغم اینکه در خانه کم تحرک و کم نقل و انتقال هستی و یا به خاطر کم بودن دیدارها و شاید کم بودن خدماتی که هر کس در خانه‌اش آرزو دارد در تنگنا باشی ولی اگر آن را در نزد الله تعالی احتساب کرده و به آن راضی شوی پی خواهی برد که تو در خوشبختی و سعادتی زندگی می‌کنی که زنانی که در کاخ‌ها و ویلاها و خانه‌های لوکس و ماشین‌های مدل بالا زندگی می‌کنند چنین خوشبختی و گشایشی را احساس نمی‌کنند.

انسان چه مرد باشد و چه زن از دنیا سیر نمی‌شود، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرموده‌اند: "اگر به بنی آدم دشتی از طلا داده شود، دشتی دیگر نیز طلب می‌کند ".

وآن زن بیچاره‌ای که در کاخ بزرگی که به انواع زینت‌ها مزین و انواع فرش‌ها و قالی‌ها در آن پهن است، زندگی می‌کند در اولین دیداری که از خانه ی همسایه‌اش می‌کند اگر ببیند که او چیزی بر خانه‌اش افزوده است نفسش می‌جنبد و در جستجوی راه رقابت با او می‌شود واین امر خاص زنان نبوده و مردان را نیز شامل می‌شود.

و در اینجا(سرزمین جهاد) انسان با شیوه‌ای متواضعانه زندگی می‌کند تواضع در خانه ، لباس ، بستر، در بین خانواده، در بین فرزندان، این همان زندگی است که پیامبر بزرگوارمان بر آن زیسته است همانطور که می‌فرمایند: "همراه بنی آدم سه چیز به سوی قبر حرکت می‌کند، دو چیز بازگشته و سومی باقی می‌ماند، فرزندان و دارایی و عملش ،که فرزندان و دارایی بازگشته و او و عملش باقی می‌ماند".

انسان از دنیا چیزی به قبر نخواهد برد و چیزی او را در عالم آخرت همراهی نخواهد کرد.

چیزی از این دنیا جز عمل با انسان به آخرت نخواهد رفت.

آن عمل چیست؟ آن عمل نیک و صالحی است که الله متعال از آن راضی است راستی و صداقت با الله، اخلاص برای الله، برپایی نماز آنطوری که خواسته شده، روزه، ذکر و یاد پروردگار، تلاوت کتابش، امر به معروف و نهی از منکر، تربیت فرزندان، ادای حق همسر، صبر در میدان هجرت، احتساب اجر وپاداش در میدان رباطی که تو ای خواهر در آن هستی و این چیزی است که انسان از آن سود خواهد برد.

خدمت به سایرین و سود رسانی به سایر مسلمین از همسایگان و اهل خانواده و غیره ولی از دنیا هر چقدر هم جمع آوری و انباشته کند و چقدر بر آن رقابت کرده و از آن اختیار کند یک فلوس(ریال) هم از آن به قبر نخواهد برد.

حتی اگر از کسانی که او را دفن می‌کرده‌اند چیزی از مال در قبرش افتاده باشد قبر را نبش کرده و آن مال را که مستحق باقی ماندن در قبر نیست را خارج می‌کنند پس چرا انسان بر دنیا رقابت کند دنیایی که از آن چیزی با خود نخواهد گرفت و روزی از روزها حتما باید از این دنیا رخت بربندد.

ای خواهر بزرگوار و مهاجر من این امور را از باب یادآوری نعمت‌هایی که شما در آن به سر می‌برید ذکر می‌کنم کافی است که یکی از شما به بانوان صحابی و به مادران مؤمنان(همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم) شباهت داشته باشد، تو و عایشه، ام سلمه، ام حبیبه، میمونه و سوده و غیره رضی الله عنهن و سایر زنان مهاجر صفتی مشترک داشته باشید آن هم صفت هجرت می‌باشد ، چرا هجرت؟ هجرت به خاطر الله متعال نه به خاطر طلب دنیا، کسی که در طلب کالای دنیا باشد، نمی‌تواند دنیا را پشت سر گذاشته و به اینجا (سرزمین جهاد) بیاید ولی اگر بر کسی در این میدان روزنه‌ای از دنیا گشوده شد اگر وارد آن شده و در پی آن بدَوَد و سعی در رقابت بر سر آن کند قطعا بداند که این فتنه‌ای از جانب پروردگار متعال می‌باشد هر مرد و زنی باید بر این امر توجه زیادی داشته باشد.

ای بانوی مؤمن نفس خود را نجات بده، بین خود و بین آتش سپر و مانعی قرار ده مانعی که تو را از آتش نجات دهد. آن مانع و حجاب بین تو و آتش چیست؟ آن چیزی نیست جز طاعت و عبادت الله متعال یعنی اجابت و ادای اوامرش و دوری از معصیت‌ها و آنچه حرام کرده است:

"قوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا " یعنی: " خودتان و خانواده‌تان را از آتش نگاه دارید " مرد مسئول خانواده ی خود، فرزندان و همسرش می‌باشد و زن نیز مسئول خود و فرزندانش بوده و مسئول تربیت آنان بر ادای نمازهایشان، تربیت بر اخلاق بزرگوارانه ی اسلامی بر محبت الله و رسولش و مسئول تربیت آنان بر حب فداکاری است.

مبحث تربیت موضوعی گسترده می‌باشد که هرچه بانوی مسلمان تلاش کند که فرزندانش را تربیتی نیک از لحاظ ظاهری و باطنی پرورش دهد به همان اندازه این فرزندان در آینده برای او (بانوی مسلمان) و امت اسلام پرسود و همچنین بعد از وفاتش مانند صدقه‌ای جاری در امت اسلام خواهد بود.

پس نقشی که زن در خانه ی همسرش ایفا می‌کند بخشی از ادای این امر شرعی می‌باشد که در این آیه وارد شده است آنجا که می فرماید: " قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ " یعنی: " خودتان و خانواده‌تان را از آتشی که هیمه آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید" .از آتش به الله متعال پناه می‌بریم .

پس بر خواهر مهاجر لازم است که این آیه را به یاد داشته باشد و بداند که ایشان نیز مخاطب این آیه می‌باشند و تکالیف شرعی که با اوامر نماز بخوان، زکات بده، روزه بگیرید، و حج کنید و... اوامری هستند که مرد و زن در خطاب آن مشترک هستند آنجا که الله متعال می‌فرماید: " (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) " یعنی: " هر کسی که کار شایسته‌ای انجام دهد، (خواه) مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم ، و مسلماً پاداششان را به (حسب) بهترین اعمالی که انجام می‌دادند ؛ به آنها می‌دهیم". پس امر وارد شده در این آیه خطابی مشترک به زن و مرد

بوده و خاص مردان نیست و زن هر چه در طاعت و عبادت الله تلاش کند به همان اندازه به الله متعال نزدیک شده و درجاتش در آخرت افزوده و رفیع می‌گردد و به همان اندازه نفع و سودش برای امت اسلام بیشتر می‌شود.

اولین امری که بانوی مسلمان باید در حق خود مراعات کند مواظبت و پایبندی بر نمازها است، می‌دانیم که بزرگترین و دومین رکن اسلام بعد از شهادتین نماز می‌باشد که پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم در این مورد می‌فرمایند: "اسلام بر پنج چیز بنا گشته، گواهی به اینکه معبود به حقی جز الله متعال نبوده و محمد صلی الله علیه و سلم فرستاده ی راستین از جانب اوست و بر پایی نماز و..." پس بر هر زن واجب است که در خانه‌اش نمازش را به شکلی که امر شده به جای آورد.

به شکلی که رکوع، سجود، ذکر و خشوع و آرامش آن را به طور کامل به جا بیاوری یعنی چنین نباشد که وارد نماز شود در حالی که سست و بی‌توجه بوده و سپس آن را به سرعت و به هرشکلی به جای آورد بدون احساس اینکه در پیشگاه الله متعال ایستاده است، بدون تفکر و تدبر در آنچه قرائت می‌کند و نمی‌داند چه می‌خواند ؟ چقدر خوانده است؟ سپس بعد از آن السلام علیکم، السلام علیکم گفت، ادعا کند که من نمازم را به جای آوردم!.

بله ادای نماز از تو ساقط شد ولی این نمازِ کاملی که الله از ما خواسته است، نیست از این رو الله پاک و بی‌شریک اسماعیل علیه السلام را به خاطر اینکه خانواده ی خود را امر به نماز و زکات می‌کند می‌ستاید و تمام انبیای الهی خانواده‌هایشان را به ادای نماز امر کرده‌اند از این رو الله جل جلاله پیامبر بزرگوارمان را دستور می‌دهد تا خانواده ی خود را به ادای نماز امر کند

"وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا " یعنی: " و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده، و (خود) بر (انجام) آن شکیبا باش ".

این امر به این معناست که نماز مساله ی سبک و ساده‌ای نیست که به وقت نماز ظهر یا فجر زن برخواسته و وضو گرفته و الله اکبر بگوید ولی نداند که چه خوانده و بعد السلام علیکم ، السلام علیکم، نماز تمام شد!.

نه هرگز این دومین رکن اسلام و اولین چیزی است از حقوق الله متعال که مسلمان بر آن محاسبه خواهد شد . و پرسیده خواهد شد که نمازت چگونه بود؟ چگونه آن را به جای آوردی؟ آیا رکوع و سجود، تلاوت و آرامش و خشوع آن را به جای آوردی؟

و من هر خواهری را تشویق می‌کنم و از او درخواست می‌کنم که اولین توجه خود را متوجه ادا و برپایی نمازش گرداند و حتی در مورد تربیت فرزندان نیز بر پایی نماز را اولویت قرار داده و این امر داخل در عمل به آیه که ما را دستور به اینکه خود و خانواده‌یمان را از آتش نگه داریم می‌باشد.

پس ای خواهر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه واله و سلم فرموده‌اند " فرزندانتان را از هفت سالگی امر به نماز کنید و در ده سالگی اگر از ادای آن سربا زدند آنان را بزنید (تنبیه خفیف) و بستر خوابشان را از هم جدا کنید ".

پس از زمانی که پسر یا دختر به سن هفت سالگی می‌رسد باید آنها را به ادای نماز امر کند البته بدون ایجاد مشقت و بدون فشار و ترساندن، بلکه با تشویق و ترغیب بگوید، برخیز نمازت را بخوان و احیاناً نماز ظهر را بخوانند، مهم این است که از هفت سالگی امر به نماز شود و پدر نیز باید چنین کند ولی چون کلام ما متوجه خواهران می‌باشد آنان را مورد خطاب قرار می‌دهیم.

طبیعتاً مستلزم این است که پسر و دخترش را با شروط و نحوه ی نماز و طهارت آشنا ساخته و نحوه ی وضو گرفتن و ... را به آنان بیاموزد مسائلی که ذکر شد امور با اهمیتی هستند که بر خواهر لازم است بر انجامشان در خانه حریص باشد مثلاً اگر وقت نماز ظهر داخل شد و پسر و دخترش در حال بازی بودند بگوید پسرم، دخترم بیا نمازت را بخوان.

و اگر به ده سالگی رسیدند و از ادای نماز سربازدند اینجا باید آنان را تنبیه کنند، تنبیهی که شدید و دردآور نباشد بلکه فقط باعث ترساندن و پایبندیش به نماز شود و این امری است که خواهران بزرگوار و مهاجر باید در خانه‌هایشان بر آن تشویق کرده و نماز را به پا دارند، از این رو در قرآن کلمه ی "صلّوا" یعنی": "نماز بخوان " وارد نشده بلکه کلمه ی "اقیموا الصلاة" یعنی: " نماز را به پا دارید " استفاده شده به این معنا که آن را به کامل‌ترین شکلش از لحاظ حالات و صفات به جای بیاورید. پس ای خواهران در تربیت خود و فرزندانتان بر ادای کامل نماز تلاش زیادی را باید مبذول کنید.

نکته ی دوم که می‌خواهم به آن اشاره کنم تربیت فرزندان بر اخلاق نیک و بزرگوارانه می‌باشد.

ما می‌خواهیم که فرزندانمان از مدرسه ی جهاد بمانند مردانی همچون پدرانشان خارج شوند پس بر خواهران ضروری است که فرزندانش را بر شجاعت، صبر، سرسختی، مردانگی، قهرمانی، و فضایل اخلاقی چون صداقت و امانت و وفای به عهد و پیمان‌ها تربیت و پرورش کنند،

این موارد معانی هستند که باید در دل فرزندان کاشته شوند و خواهر خود نیز باید آراسته بر این اخلاق نیک باشد وگرنه کسی که فاقد چیزی است از بخشش آن عاجز است در نتیجه خواهر خود باید متزین به صداقت و امانت، وفا و حیا، خشوع و خضوع به درگاه الله متعال و ترس و تقوای الله جل جلاله باشد.

این هدایای الهی (اخلاق) که از جانب پروردگارمان برایمان فرستاده شده‌اند، اموری هستند که در عین حال بین تمام عقلا بر آن اتفاق نظر وجود دارد یعنی وقتی خواهر مجاهد این مکارم اخلاقی را به پسران و دختران خویش هدیه می‌کند آن را به راحتی و به خوبی دریافت کرده و می‌پذیرد چرا که وقتی فرزندانش می‌بینند که این معانی با ارزش و گرانقدر در مادرشان پدیدار بوده و سپس با دعوت زبانی و با سایر روش‌های تربوی نیز از مادر می‌شنوند به راحتی می‌پذیرند.

پس بر خواهر مهاجر لازم است وقتی یکی دو بار از فرزندش دروغگویی شنیده و بداند که این امر تکرار خواهد شد باید توجه خود را به او بیشتر کند و از اینکه فرزندش را بر دروغ پرورش دهد اجتناب ورزد یعنی اگر ده بار از خطای فرزندش چشم پوشی کند بهتر از آن است که سبب دروغگویی فرزند برای رهایی از تنبیه شود چرا که اگر طفل بر دروغ عادت کند مریضی سختی است که اخلاق او را به فساد خواهد کشاند.

از این رو پیامبر صلی الله علیه واله و سلم می‌فرمایند: "مؤمن دروغگو نمی‌شود " ممکن است مؤمن بخیل یا ترسو باشد ولی دروغگو نمی‌شود.

بر مادر واجب و ضروری است که صداقت را در قلب طفلش کاشته و به او بیاموزد که الله جل جلاله او را می‌بیند و مراقب اوست و نباید کودک را از خود یا از پدر ترساند وقتی کار اشتباهی مرتکب شد مگو به پدرت خواهم گفت: " یکی دو بار اشکالی ندارد ولی ترس کودک از پدر دائمی نخواهد بود بلکه ضرورت دارد که ترسش از الله پاک و بی‌شریک باشد به او یادآوری شود که آتشی هست، حساب و کتابی در کار است، و عقاب و مؤاخذه‌ای وجود دارد و او از هر صغیره‌ای سؤال خواهد کرد و اینکه او تو را می‌بیند و می‌شنود و اگر دروغ بگویی الله بینا

و شنوا می‌داند که تو دروغ می‌گویی، ممکن است که به من دروغ بگویی و من ندانم ولی بر او چیزی پنهان نمی‌ماند.

ضروری است که فرزندت را بر این آداب و اخلاق تربیت کنی و از جمله اموری که می‌خواهم بر آن تأکید کنم مسأله‌ای است که با مسائل دیگری در تداخل و ارتباط است، تربیت دختران می‌باشد متأسفانه بسیاری از خواهران به بهانه ی حیا و شرم که سرشت بانوان بوده و رسول گرامی صلی الله علیه و اله و سلم فرموده است که: " تمام حیا خیر است "و حیا شعبه‌ای از شعبه‌های ایمان است، گاها این حیا و شرم از حدود شرعی خود گذشته و سبب به وجود آمدن نوعی از مسائل حرام و ناشایست می‌شود از جمله: ما می‌دانیم که الله پاک بر زنان دوره ی قاعدگی را مقدر فرموده است و طبق فرموده ی پیامبر صلی الله علیه واله وسلم: "این (دوره ی قاعدگی) امری است که الله جل جلاله بر دختران آدم مقدر کرده است ".

و الله متعال این امر را در کتابش ذکر فرموده و از پیامبر بزرگوار احادیثی وارد شده است و بر آن احکام زیادی از جمله ادای نماز، طهارت، قضای روزه و امور زیادی که نه تنها کم اهمیت نبوده بلکه از مسائل بسیار بزرگ به شمار می‌رود، پس نباید حیا بین مادر و آموزش احکام دوران قاعدگی به دخترانش مانعی ایجاد کند گاهاً دختری به سن دوازده و سیزده سالگی می‌رسد و از این احکام چیزی نمی‌داند و زنان بین خود این امور را از اسرار می‌دانند و وقتی سخن می‌گویند دقت می‌کنند تا در این مورد سخنی که دخترانشان بشنوند به میان نیاید.

زنان صحابه رضی الله عنهم چنین نبودند بلکه هیچ مشکلی نداشت که یکی از آنان با دختر هفت و هشت ساله ی خود بنشیند و آرام آرام او را از این احکام قاعدگی آگاه کند.

البته با روشی شایسته، مؤدبانه و مناسب این آموزش صورت گیرد ولی قبل از آن باید نزد دختر یک پیش زمینه قبل از ورود به دوران قاعدگی ایجاد شود تا وقتی دچار قاعدگی شد از آن مطلع باشد و سبب نشود که نماز بی‌طهارت خوانده و روزه در حال قاعدگی گرفته باشد.

پس بر خواهران ضروری است که بدانند چنین حیایی نه تنها مطلوب و پسندیده نیست بلکه حتی ناپسند نیز می‌باشد چرا که مانعی بین مادر و آموزش احکام شرعی به دخترش ایجاد می‌کند.

همچنین پسندیده نیست که خواهر مهاجر و مؤمن به بهانه ی حیا از پرسش امور شرعی کوتاهی کند حتی اگر این پرسش متعلق به امور قاعدگی باشد یا حتی مربوط به امور نفاس(احکام بعد از زایمان) و یا مربوط به حاملگی و احکام شرعی آن باشد.

هر کس بر سیره ی صحابیات و زنان صحابه آگاهی داشته باشد می‌داند که چگونه نزد رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم آمده و از اموری واضح و روشنی که متعلق به چنین مسائلی بود سؤال می‌پرسیدند و هرکسی می‌داند که آنان حریص‌ترین زنان برای یادگیری امور دین خویش بودند.

من هر خواهری را تشویق می‌کنم و به او می‌گویم که این احکام را کسی به خوبی مادر نمی‌تواند به دخترش بیاموزد چنین مسائلی از قبیل احکام قاعدگی و ... را مادر به بهترین شکل به دخترانش می‌تواند بیاموزد.

این کار را با روش عملی و نظری صورت دهد به طوری که اگر در دوره ی قاعدگی مادر فرارسیده و نماز نمی‌خواند وقتی زمان نماز فرا می‌رسد در این حین دختر هفت یا هشت ساله‌اش را امر به نماز کرده و بگوید دخترم برخیز و نمازت را ادا کن دختر سؤال خواهد کرد

که چرا خودت نماز نمی‌خوانی؟ آنگاه مادر پاسخ می‌دهد من عذر دارم، به این ترتیب برای او مشخص می‌شود که عذر چیست و به روش شایسته و مناسبی که این کودک هفت ساله می‌فهمد که عذری وجود دارد که مانع ادای نماز می‌شود و ممکن است در آینده برای او نیز پیش آید و این همان روش عملی در آموزش می‌باشد.

اما اینکه دختر در خانه زیر کوله باری از اسرار و پنهان کاری‌ها تا زمانی که در خطاهای شرعی واقع شود، بماند کار صحیحی نبوده و خواهران مجاهد و مهاجر باید از آن اجتناب کنند.

و از جمله مسائلی که باید به آن اشاره کنم این است که خواهران باید وقتشان را غنیمت شمرده و آن را در کارهای سودمند و نافع صرف کنند و از مجالس گوشت خواری انسان‌ها دوری کنند! عجیب است آیا مجالسی هم وجود دارد که گوشت انسان‌ها در آن خورده شود؟ بله آن مجالس، مجالس غیبت هستند که الله پاک و بی‌شریک در مورد آن می‌فرماید: " وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوه " یعنی " وبعضی از شما بعضی دیگر را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟! پس (البته) آن را ناپسند دارید " پس بر خواهران واجب است که به شدت از غیبت و دورویی اجتناب و پرهیز کنند. همانطور که علما ذکر فرموده‌اند غیبت از گناهان کبیره می‌باشد بسیاری ازانسان‌ها از خوردن شراب و مجالس آن و از بسیاری از گناهان کبیره اجتناب می‌کنند ولی می،بینی که در هر مجلسی سخن گفته و و آبروی این و آن را برده و گوشت این و آن را می‌خورند و در خون فلانی و علانی بی مبالات دست می‌برند و او به این ترتیب دچار کبیره‌ای از کبائر می‌شود.

آیا می‌دانی کبیره‌ای از کبائر به چه معناست؟ یعنی اگر مرد و زنی در حال اصرار و پافشاری بر گناه کبیره‌ای مثل غیبت بدون توبه وفات کنند در آخرت زیر مشیئت و خواست الهی قرار می‌گیرند که اگر خواست می‌بخشد و اگر خواست دچار عذابش می‌کند چرا که این امر از حق الناس بوده و مستلزم این است که فردی که مورد غیبت واقع شده تو را مورد عفو و بخشش قرار دهد.

اگر مرتکب غیبت فردی شدی لازم است که توبه کرده و به سوی الله متعال بازگردی و از او برای فرد غیبت شده طلب مغفرت و رفع درجات و اصلاح حال کنی و بخواهی که تو را در حق آن فرد غیبت شده مورد بخشش قرار دهد.

پس بر خواهران واجب است که وقتی مجالسشان به چپ و راست میل می‌کند همدیگر را تذکر دهند چرا که غیبت همیشه با زبان رخ نمی‌دهد بلکه گاهاً با ایما و اشاره هم شکل می‌گیرد که الله بزرگ و بلند مرتبه در این مورد می‌فرماید: " وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ " یعنی: **"** وای بر هر عیب جوی غیبت کننده‌ای **"** (همزه یعنی با کلام و لمزه یعنی با عمل).

پس خواهران باید احتیاط کنند.

از این جهت برای آنان امر با خیر و فضیلت این است که در خانه‌هایشان بمانند و از مجالس غیبتی که ذکر الله و طاعت و فرمانبرداریش در آن نیست دوری کنند.

همچنین از اموری که خواهران را بر آن توصیه می‌کنم این است که خواهرانی هستند که الله جل جلاله به ایشان چیزی از علم عطا فرموده حتی اگر کم هم باشد باید شروع به تعلیم بانوان انصار کنند حتی اگر شده چیز کمی تعلیم دهند و این کار را به آرامی انجام داده تا جایی که حتی اگر یک آیه و یک حدیث باشد و اگر خواهر مهاجر تلاش کند که به زنان انصاری و

دخترانشان که به همراه او در یک خانه زندگی می‌کنند یک آیه یا یک حدیث تعلیم داده و سبب حفظشان شود و یا تلاش کند که برایشان یک آیه و یک حدیث را شرح و تفسیر کند.

این همان ادای امانت علم می‌باشد و ما نیاز شدید هر انسان به علم را می‌دانیم حال چه مهاجر و چه از انصار باشد.

پس خواهرانی که الله جل جلاله به آنان علمی عطا فرموده اگر یک آیه و حدیثی هم باشد بر آنان لازم است که سعی کنند به اطاعت از امر الله متعال و تلاش در ادای امانت علم شروع به تعلیم زنان انصار و دخترانشان کنند.

نکته ی دیگری که می‌خواهم متذکر شوم دعا کردن بسیار برای مجاهدین می‌باشد و هر خواهری باید احساس کند که در این جهاد بزرگ شرکت دارد جهاد امت اسلامی که بر علیه امت‌های کفر برپاست پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می‌فرمایند: "آیا جز این است که به خاطر ضعیفانتان نصرت و روزی داده می‌شوید نه به خاطر نماز و دعا و اخلاصتان".

پس بر خواهران لازم است که بخشی از دعای خود را به مجاهدین اختصاص دهند برای اسیرانشان، شهدا، زخمی‌ها، بیماران و تمام مسلمین و این کار نه تنها از انسان چیزی کم نمی‌کند بلکه خیر آن به خود شخص باز می‌گردد همان طوری که رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می‌فرمایند: "دعای برادر برای برادرش در غیاب او مستجاب است و هر انسان که برای برادرش دعا می‌کند فرشته‌ای از فرشتگان در هر دعای او می‌گوید "آمین و برای تو هم به مانند آن ".

و شاید آمین فرشتگان برایت بهتر از دعایت برای خودت باشد.

پس توصیه می‌کنم که خواهران در دعا برای مجاهدان تلاش و کوشش کنند و در ساعات و اوقات اجابت دعا مانند یک سوم آخر شب برای کسی که الله جل جلاله شب زنده داری را برایش آسان فرموده است و یا بعد از نمازهای پنجگانه یا بین اذان و اقامه ساعت‌هایی هستند که باید کوشید در آن دعا کرد شاید که الله فتح و پیروزی و یا نفعی را به سبب همین دعاها نصیب آنان گرداند و این یادآوریی گذرا بود که دوست داشتم به خواهرانم تقدیم کنم از الله متعال می‌خواهم که آن را سبب نفع و سودمندیشان گردانده و آن را خالصانه به درگاهش بپذیرد.

اللهم صلی و سلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه وسلم

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

شعبان سال ١٤٣٩



پخش شده از کانال رحمت